

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۲۳

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود
سال نهم، شماره ۳۴، تابستان ۱۳۹۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۲/۲۴

گونه‌شناسی رویکردهای آموزه مهدویت در چارچوب ظرفیت تمدنی

محسن الویری*

محمدرضا برزویی**

چکیده

آموزه مهدویت، بخشی مهم از اندیشه اسلامی است که می‌تواند از طریق ترسیم آینده‌ای دست‌یافتنی در شکل دادن به جوهره و روح حاکم بر تمدن جدید اسلامی، نقش‌آفرین باشد و به مثابه یک «ستاره راهنما»، راهنمای جوامع اسلامی به سوی جامعه کمال یافته و برخوردار از تمدن آرمانی به شمار آید. این آموزه در پیروزی، تثبیت و بقای انقلاب اسلامی ایران نیز نقشی مؤثر داشته است. در سال‌های پس از پیروزی انقلاب، در میان اساتید و صاحب‌نظران حوزه مهدویت، رویکردهای مختلفی شکل گرفته که با توجه به جهت‌گیری تمدنی انقلاب اسلامی، هر یک از این رویکردهای مهدوی می‌تواند از ظرفیت ویژه خود برای تحقق این تمدن بهره‌گیرد. نوشتار حاضر با بررسی منابع مکتوب و چندرسانه‌ای و مصاحبه با صاحب‌نظران این حوزه، از طریق روش کیفی «تحلیل پدیدارشناسی تفسیری (IPA)» و با کمک تکنیک «گونه‌شناسی»، به دنبال پاسخ به این پرسش محوری است که با مبنا قرار دادن جهت‌گیری تمدنی انقلاب اسلامی، رویکردهای شکل گرفته پس از انقلاب از نظر ظرفیت تمدنی چگونه گونه‌شناسی می‌شوند؟ به عبارتی دیگر، هر یک از رویکردهای مهدویت - که پس از انقلاب اسلامی پدید آمده‌اند - برای تحقق رویکرد تمدنی انقلاب اسلامی چه ظرفیتی دارند؟

واژگان کلیدی

مهدویت، تمدن اسلامی، رویکردهای فکری - فرهنگی، گونه‌شناسی، انقلاب اسلامی.

* دانشیار دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم.

** دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم (نویسنده مسئول) (borzooei@gmail.com).

مقدمه

تجلی دین و تحقق باورها، اخلاق و احکام الهی در ساحت‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی انسان، جزو اصلی‌ترین اهداف و آرمان‌های مکاتب الهی و وظایف انسان‌های مؤمن و خداجو در طول تاریخ بوده است. دین مبین اسلام نیز نه تنها تحقق این آرمان را یک اصل بنیادین و محوری خود می‌داند؛ بلکه آیات الهی و روایات معصومین علیهم‌السلام، تحقق حتمی آن را وعده داده‌اند. در این میان، تحقق جامعه موعود به مثابه کاملترین مرحله تمدن اسلامی، از آموزه‌های اصلی در تفکر اسلام ناب محمدی به شمار می‌رود. آموزه مهدویت که بخشی مهم از اندیشه اسلامی است، دارای ظرفیتی است که می‌تواند در شکل دادن به یک تمدن و هویت بخشی به آن نقش آفرین باشد.

پیش فرض سخن گفتن از اثر و جایگاه اندیشه مهدویت در تمدن نوین اسلامی، باور به اثرگذاری آموزه‌های دینی در تکون و بقای یک تمدن است. این اثرگذاری در دو ساحت قابل تصور است: ساحت خرد و ساحت کلان. درباره اثرگذاری خرد آموزه‌های دینی بر تمدن تردیدی وجود ندارد. اثرپذیری مستقیم و غیرمستقیم مظاهر و ظواهر تمدنی مانند بناها، آثار علمی، رفتارهای اجتماعی و آداب و رسوم و مناسک از آموزه‌های دینی در هر تمدنی به آسانی قابل مشاهده است و در آن چه به تمدن اسلامی ارتباط می‌یابد هم حجم قابل توجهی از مطالب نگاشته شده در باره این تمدن به این ظواهر و مظاهر متأثر از آموزه‌های اسلامی اختصاص یافته است. ولی ساحت دیگر اثرگذاری دین بر تمدن، ساحت مربوط به بنیان اندیشه‌ای یک تمدن است که بر اساس آن دین، بنیان‌ها و روح حاکم بر یک تمدن و جهت‌گیری‌های اصلی آن را پی می‌ریزد و به این ترتیب همچون خون جاری در رگ‌های یک اندام زنده و روح هویت بخش یک موجود زنده در همه ابعاد و لایه‌ها و اجزاء و اضلاع تمدن رخنه می‌کند و بر آن‌ها سایه می‌افکند...

انقلاب اسلامی نیز رویکردی تمدنی دارد و رهبری نظام به صراحت به این موضوع اشاره کرده‌اند، حال با توجه به رویکرد تمدنی آموزه مهدویت از یک سو و رویکرد تمدنی انقلاب اسلامی از سوی دیگر این پرسش مطرح است که چگونه می‌توان بین این دو پیوند زد؟ یک پاسخ به این پرسش مهم این است که آموزه‌های مربوط مهدویت؛ به عنوان بخشی مهم از اندیشه اسلامی می‌تواند از طریق ترسیم یک آینده دست یافتنی در شکل دادن به جوهره و روح حاکم بر تمدن جدید اسلامی نقش آفرین باشد و به مثابه یک ستاره راهنما، راهنمای جوامع اسلامی به سوی جامعه کمال یافته و برخوردار از تمدن آرمانی باشد. این ترسیم از آینده را

می‌توان چشم‌اندازی تجویزی به شمار آورد که حلقه وصل مهدویت و تمدن جدید اسلامی است (نک: الویری، ۱۳۳۴).

اما این پرسش حتی اگر در سطح کلان، پاسخی قانع‌کننده داشته باشد بازهم به این جا ختم نمی‌شود و باید بدانیم که آموزه مهدویت از عناصر کلیدی در عرصه فکری و فرهنگی انقلاب اسلامی بوده است که افزون بر نقش مهم آن در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب، در استمرار و بقاء انقلاب اسلامی نیز نقش مؤثری داشته است. در سال‌های پس از پیروزی انقلاب تاکنون، در حوزه مهدویت، رویکردها و رهیافت‌های مختلفی شکل گرفته است که پرسش از نوع پیوند رویکرد تمدنی انقلاب اسلامی با رویکرد تمدنی هر یک از این رهیافت‌های مهدوی شایسته طرح و واکاوی است.

بر این ساس، پرسش محوری مقاله حاضر نیز این است که؛ با مینا قرار دادن جهت‌گیری تمدنی انقلاب اسلامی، رویکردهای شکل گرفته پس از انقلاب از نظر ظرفیت تمدنی چگونه گونه‌شناسی می‌شوند؟ و یا به عبارتی دیگر؛ هر یک از رویکردهای مهدویت که پس از انقلاب اسلامی پدید آمده‌اند چه ظرفیتی برای تحقق رویکرد تمدنی انقلاب اسلامی دارند؟

در یک گونه‌شناسی اولیه، می‌توان رویکردها را به رویکردهای «معرفتی»، «فرهنگی»، «تاریخی» و «سیاسی-اجتماعی» دسته‌بندی نماییم. در گونه‌شناسی دیگری هم می‌توانیم رویکردها را به رویکردهای «انسان‌ساز»، «خانواده‌ساز»، «جامعه‌ساز» و «تمدن‌ساز» دسته‌بندی نماییم. ولی از آن جایی که، «چارچوب علمی» مناسب‌ترین چارچوبی است که می‌تواند نحوه نگریستن به یک موضوع را مشخص سازد؛ این مقاله، به دنبال گونه‌شناسی علمی است. به عبارت دیگر اگر بتوان مشخص ساخت که یک موضوع به کدام تبار علمی وابسته است و با کدام رشته علمی تناسب بیشتری دارد آسان‌تر و دقیق‌تر می‌توان رویکرد آن را مشخص ساخت. لذا در بخش نخست این مقاله به دنبال آن هستیم که با نگاهی دقیق‌تر به منابع مکتوب و چندرسانه‌ای تولید شده در سال‌های اخیر و مصاحبه با اساتید و صاحب‌نظران این حوزه، و با روش تحلیل پدیدارشناسی تفسیری و کمک از تکنیک گونه‌شناسی، رویکردهای مختلف علمی این حوزه را شناسایی و احصاء نماییم.

روش تحقیق و تکنیک پردازش داده‌ها

مقاله حاضر از نظر هدف؛ یک تحقیق کاربردی و از نظر ماهیت؛ یک تحقیق توصیفی-اکتشافی است. روش تحقیق در این مقاله، یک روش ترکیبی است. در مرحله اول که گردآوری

اطلاعات است از روش بررسی «اسناد و منابع مکتوب و چندرسانه ای» و نیز روش «مصاحبه عمیق» با متخصصان و صاحب نظران هر رویکرد، استفاده شده است. در بررسی اسناد و منابع، مشخصاً به آرشیو ۱۲ ساله مقالات، مطالب و مصاحبه‌های «فصل نامه علمی- ترویجی انتظار موعود» که به مثابه قدیمی‌ترین و مهم‌ترین نشریه علمی که انعکاس دهنده آرای مهدویت‌پژوهان است؛ کتب تألیفی منتشر و یا تجدید چاپ شده با موضوع مهدویت در سال‌های ۹۲ و ۹۳؛ و محصولات چندرسانه‌ای تولید شده در این حوزه، مراجعه شده و برای مصاحبه‌های عمیق نیز به صورت هدفمند سراغ ۲۴ استاد متخصص و صاحب نظر در این حوزه رفته‌ایم.

در مرحله دوم که تحلیل اطلاعات است از روش کیفی «تحلیل پدیدارشناسی تفسیری (IPA)» و تکنیک «گونه‌شناسی»^۱ استفاده شده است. گونه‌شناسی یکی از تکنیک‌های رایج در علوم انسانی است، ولی به عنوان یک ابزار تحقیق و نیز ابزاری برای بالارفتن میزان دقت ما در مواجهه با پدیده‌های مختلف، در همه علوم رواج دارد و هیچ دانشی را نمی‌توان بی‌نیاز از آن شمرد. مراد از گونه‌شناسی، شناخت گونه‌های مختلف یک پدیده و به بیانی دقیق‌تر، طبقه‌بندی روشمند پدیده‌هایی است که به یک خانواده و مجموعه وابسته هستند و در مقایسه و نسبت‌سنجی با دیگر اعضای این مجموعه، در یک یا چند ویژگی یا رفتار، وجه مشترک دارند و در جوه دیگر از هم متفاوت هستند. گونه‌شناسی یعنی مشخص ساختن همین اشتراک‌ها و افتراق‌ها براساس یک معیار خاص عینی یا ذهنی. فرایند قرار دادن پدیده‌ها در گونه‌های مختلف را گونه‌بندی^۲ و گاه طبقه‌بندی^۳ می‌خوانند.

روش تحلیل پدیدارشناسی تفسیری^۴

پدیدارشناسی از نظر لغوی، عبارت است از مطالعه پدیده‌ها از هر نوع؛ و توصیف آن‌ها با در نظر گرفتن نحوه بروز تجلی آن‌ها، قبل از هرگونه ارزش‌گذاری، تأویل و یا قضاوت ارزشی. در نگاه دیگر اگر پدیدارشناسی را معناشناسی بدانیم، معنایی که در زندگی انسان پدیدار می‌شوند، یک نظام معنایی شکل می‌دهند. این نظام معنایی با اضافه نمودن وجود به زمان و

1. Typology
2. Typification
3. Classification
4. Interpretative phenomenological Analysis

مکان به دست می‌آید و شناسایی این نظام معنایی نیز از همین راه حاصل می‌شود؛ یعنی یک شناخت مضاف به زمان و مکان که آن را تجربه زندگی می‌نامند. پدیدارشناسی یک روش تحقیق کیفی است که هرچند نقطه شروع آن فلسفه است ولی خیلی زود به رشته‌های علوم اجتماعی، روانشناسی و پرستاری نیز رسید. این رویکرد خود به دو روش عمده توصیفی و تفسیری تقسیم می‌شود که علی‌رغم شباهت‌های بسیار، تفاوت‌هایی نیز با هم دارند (امامی سیگارودی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۶-۵۸).

روش تحلیل پدیدارشناسی تفسیری به دنبال شناخت الگوهایی در داده است که در چارچوبی نظری قرار می‌گیرند. در معرفت‌شناسی پدیدارشناسی مرتبط با روش فوق به تجربه اهمیت داده می‌شود. این روش به دنبال شناخت پدیده از طریق درک تجربه واقعی افراد در زندگی روزمره است (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۶).

اسمیت، فلاورز و لارکیندر در فصل پنجم کتاب (نک: صوفی، ۱۳۹۲) خود آورده‌اند که: روش تحلیل در IPA مبتنی بر یک روش تکرار شونده و استقرایی (یعنی از جزء به کل رسیدن) است که بر استراتژی‌های زیر استوار است:

۱. تشخیص و شناسایی الگوهای نمایان شونده (مضمون‌ها) در گفتار مبتنی بر تجربه مشارکت‌کنندگان با تمرکز بر همگرایی و واگرایی موجود در آن گفتار از یک سو و اشتراکات و افتراقات آن از سوی دیگر، که در ابتدا معمولاً بر روی موردهای منفرد و سپس بر روی چندین مورد بررسی صورت می‌گیرد.

۲. توسعه یک ساختار، چارچوب یا ترکیبی که بیان‌گر روابط بین مضمون‌های شناسایی شده باشد.

۳. سازماندهی کلیه مطالب فوق‌الذکر در یک قالب به طوری که داده‌های تحلیل شده از طریق مراحل فرایند طی شده قابل ردیابی باشد (از نقطه نظرهای ابتدایی یادداشت برداری شده، از مراحل ابتدایی طبقه‌بندی و توسعه مضامین، تا ساختار نهایی مضامین).

۴. استفاده از یک ناظر، همکار و یا ممیز برای سنجش انسجام و باورپذیری تفسیرها و توسعه آن‌ها.

۵. توسعه یک روایت کامل که به کمک اظهارنظرهای محقق درباره گفته‌های استخراجی مستند شده باشد، به صورت مضمون به مضمون، و در صورت امکان با استفاده از یک راهنمای تصویری (نظیر یک ساختار، نمودار یا جدول) به طوری که خواننده را با تفسیر همراه سازد.

۶. تأمل و بازنگری بر ادراکات، مفاهیم و مراحل فرایندهای طی شده توسط محقق. نکته مهم قابل توجه درباره استراتژی‌های معرفی شده این است که در کنار آن‌ها همیشه برای محقق فرصتی برای خلاقیت، وجود دارد و مسیر کار به هیچ وجه یک مسیر خطی نیست بلکه یک تجربه چالش برانگیز است. از نظر اسمیت و همکارانش، مراحل انجام تحلیل پدیدارشناسی تفسیری به صورت گام به گام به شرح زیر است:

گام اول: خواندن و دوباره خواندن؛

گام دوم: یادداشت برداری اولیه؛

گام سوم: توسعه مضامین نمایان شده؛

گام چهارم: بررسی روابط میان مضامین؛

گام پنجم: تحلیل موارد و یا مشارکت کننده بعدی؛

گام ششم: جست‌وجوی الگو و طرح در میان نتایج تحلیل نمونه‌ها.

از این‌رو در این مقاله به دنبال استفاده از روش تحلیل پدیدارشناسی تفسیری بوده و بر اساس اقتضائات اسناد و منابع؛ شش مرحله گام‌بندی شده جهت تحلیل پدیدارشناسی تفسیری، را می‌توان در سه مرحله زیر تقلیل و خلاصه نمود که این مراحل به شرح زیر قابل بیان است:

گام اول: مطالعه دقیق اسناد و منابع و عنوان بندی اولیه رویکردها بر اساس مضامین؛

گام دوم: بررسی روابط میان رویکردها و ادغام آن‌ها بر اساس قرابت مفهومی مفاهیم؛

گام سوم: انتخاب عنوان رویکردها بر اساس چارچوب‌های علمی.

تعریف مفاهیم اصلی

۱. رویکرد

واژه «رویکرد» در این مقاله، اعم از «رهیافت»^۱ و «رویکرد»^۲ است. بر اساس تعریف برداشت شده از منابع مختلف (به ویژه دائره‌المعارف‌ها و لغتنامه‌های معتبر)، رویکرد همان «زاویه دید و نحوه نگریستن به یک پدیده» است. بر این اساس، رویکردهای آموزه مهدویت را می‌توان گونه‌های مختلف نگریستن و پرداختن به مهدویت تعریف نمود.

1. Attitude
2. Approach

۲. مهدویت

الف) مهدویت در لغت

«مهدویت» از نظر لغوی یک کلمه عربی و از واژه مهدی گرفته شده است و به دوگونه استعمال می‌شود:

مصدر جعلی: هر وصفی که «یای» مشدد و «تا» (تیت) به آن اضافه شود، تبدیل به مصدر می‌شود مثل عالمیت، حاکمیت. مهدویت هم همان کلمه مهدی است که یای مشدد و تا به آن اضافه شده است و به صورت مصدر جعلی به کار می‌رود. یعنی مهدوی بودن.

صفت منسوب: در این حالت، «ی» آخر آن، مصدری نیست، بلکه «ی» نسبت است و «ت» هم، تایی تأنیث است که به صورت وصفی برای موصوف محذوف به کار می‌رود. یعنی طریقه مهدویه یا نسبت مهدویه. بنابراین صفاتی نظیر حسنه، سیئه و خطیئه، صفاتی است که موصوفش محذوف یا فراموش شده است (جعفری، ۱۳۸۹).

ب) مهدویت در اصطلاح

مهدویت شامل اعتقاد به «وجود»، «حضور» و «ظهور» مهدی موعود علیه السلام می‌شود (برزویی، ۱۳۹۲).

شیعیان معتقدند بنا به وعده الهی فردی هم نام پیامبر خاتم علیه السلام و ملقب به «مهدی» علیه السلام از نسل پیامبر اسلام و نهمین فرزند از نسل حسین بن علی علیه السلام ظهور می‌کند و زمین را سراسر عدل و داد می‌کند. بنا به این اعتقاد، مهدی علیه السلام در سال ۲۵۵ ق به دنیا آمده و پس از دوره ای به نام غیبت صغری، غیبت کامل (غیبت کبرا) شروع شد که تاکنون ادامه داشته است. به باور شیعه، مهدی امام دوازدهم و منجی وعده داده شده الهی است (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۴۱-۱۴۳).

«آموزه مهدویت» اندیشه‌ای معطوف به آینده است که براساس برنامه الهی، حرکت تاریخ به سوی آن برگشت‌ناپذیر و وعده داده شده است. از امام باقر علیه السلام سؤال شد: آیا می‌شود امر قطعی الهی تغییر کند؟ فرمود: آری. گفته شد: می‌ترسیم درباره ظهور قائم علیه السلام نیز چنین شود! فرمود: خیر در ظهور قائم هیچ تغییری ایجاد نمی‌شود؛ سپس آیه «ان الله لا یخلف المیعاد» را قرائت کرد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۲۵۰).

آیت الله صافی گلپایگانی در کتاب اصالت مهدویت می‌فرماید:

«خلاصه و حقیقت مهدویت، منتهی شدن سیر جوامع جهان به سوی جامعه واحد و

سعادت عمومی، امنیت و رفاه، تعاون و همکاری، همبستگی همگانی حکومت حق و عدل جهانی، غلبه حق بر باطل، غلبه جنود الله بر جنود شیطان، نجات مستضعفان و نابودی مستکبران، و خلافت مؤمنان و شایستگان به رهبری یک ابرمرد الهی است که موعود انبیاء و ادیان و دوازدهمین اوصیاء و خلفای پیغمبر آخرالزمان است. (صافی گلپایگانی، ۱۴۰۰: ج ۲، ۱۹، بخش ۴)

۳. تمدن

الف) تمدن در لغت

واژه «تمدن» از باب تَفَعُّلِ عربی و اسم مصدر فارسی است. در لغت نامه دهخدا؛ تمدن به معنای «تخلیق به اخلاق شهر و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت» معنا شده است (دهخدا، بی تا: ج ۱، ۶۰۹). فرهنگ عمید نیز: تمدن را «شهرنشین شدن، خوی شهری برگزیدن و با اخلاق مردم شهر آشنا شدن، همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم ساختن اسباب ترقی و آسایش خود» (عمید، بی تا: ج ۱، ۶۱۵) و فرهنگ معین نیز با اشاره به معنای شهرنشین شدن و خو گرفتن به اخلاق شهری، آن را «همکاری افراد و جامعه در امور زندگانی و فراهم ساختن اسباب آسایش و ترقی خود می داند» (معین، ۱۳۷۶: ج ۱، ۱۱۳۹). سایر لغت نامه ها نیز تمدن را به «اقامت در شهر»، «شهرنشینی» و «مجازاً تربیت و ادب» معنی کرده است (دهخدا، بی تا: ج ۱، ۶۱۰).

در زبان عربی، در کنار اصطلاح تمدن، مترادف هایی مانند: «حضارة»، «ثقافة» و «مدینه» آمده است. در قرآن کریم، از ریشه «م - د - ن» یا «ح - ض - ر» که در عربی واژه «حضارة» را از آن ساخته اند، واژه ای برای تمدن وجود ندارد ولی با این حال چند واژه قرآنی «امت»، «قریة» و «قرن» با این واژه ارتباط نزدیکی دارند و تقریباً همین معنا را می رسانند (قانع، ۱۳۷۱: ۳۰-۲۵). تمدن در زبان های اروپایی یعنی zivilisation یا civilization از لاتین civis به معنای «شهروند» و یا از ریشه واژه انگلیسی Civil به معنای «مدنی» و «با تربیت اجتماعی» گرفته شده است. این واژه در فرهنگ های انگلیسی، با واژه های «با ادب»، «با نزاکت»، «قابل احترام» و «شهرنشین» مترادف آمده و در فرانسه به معنای «بیشرفت»، «ترقی» و «توسعه تحول» و «تطور» است (پهلوان، ۱۳۸۸: ۳۶۲).

ب) تمدن در اصطلاح

در باب مفهوم و اصطلاح تمدن، با تلقی های گوناگونی روبه رو هستیم که این تفاوت ها اغلب به دلیل وجود رویکردهای مختلف در تعاریف است.

در تعریف اصلاحی از تمدن، می‌توان میان تعاریف «مصدافی» و تعاریف «معیاری» تمایز قایل شد. در تعاریف مصدافی اندیشمندان تمدن‌های موجود را مدنظر قرار داده‌اند و آن را با تمدن‌های دیگر تطبیق داده‌اند. مثلاً تمدن کنونی غرب تحول ویژه‌ای در تعریف تمدن ایجاد کرده است، به همین دلیل برخی تعاریف ناظر به تمدن غرب صورت گرفته‌اند. اما در تعاریف معیاری تمدن بر اساس الگوی ذهنی اندیشمند و بدون این‌که ناظر به تمدن بیرونی خاصی باشد تعریف می‌شود (مظاهری، ۱۳۹۳: ۱۳۲).

اما تنوع و کثرت تعاریف درباره تمدن سبب نمی‌شود که به قدر مشترکی در تعریف تمدن دست نیابیم. دقت در تعاریفی که در ادامه اشاره می‌شود، مشخص می‌کند که وجوه مشترک زیادی در میان تعاریف وجود دارد که می‌توان در نهایت به یک تعریف مختار در این مقاله رسید.

تمدن در اصطلاح تعاریف‌های زیادی دارد. از جمله آن‌ها تعاریف ذیل اشاره می‌شود:

۱. اصطلاح تمدن از قرن هجدهم و در عصر روشنگری پدید آمد، هرچند واقعیت آن از گذشته موجود بوده است. در یک معنا تمدن با فرهنگ مترادف پنداشته شده است. طبق این انگاره تمدن یا فرهنگ عبارت است از ترکیب پیچیده‌ای شامل علوم، اعتقادات و هنرها، اخلاق و قوانین و آداب و رسوم و عادات و اعمال دیگری که بوسیله انسان در جامعه به دست می‌آید. نمود جلوه‌های مادی فرهنگ و تجسم آن در شهرنشینی از دیگر معانی فرض شده برای تمدن است (روح الامینی، ۱۳۷۹: ۴۸-۵۰).

۲. شهید مطهری در باب تمدن این‌گونه می‌گوید که: تمدن دو جنبه دارد: مادی و معنوی. جنبه مادی تمدن، جنبه فنی و صنعتی آن است که دوره به دوره تکامل یافته تا به امروز رسیده است. جنبه معنوی تمدن مربوط به روابط انسانی انسان‌هاست (مطهری، ۱۳۶۸: ج ۲، ۱۶۹). تمدن به تمام استعداد‌های انسانی مرتبط می‌شود که ما به الامتیاز وی از حیوان است از قبیل عالم شن و تخلق به فضائل اخلاقی و اقسام هنرها و صنایع و وضع قوانین و مقررات (همو: ج ۷، ۱۲۱).

۳. تمدن مجموعه‌ای از پدیده‌های اجتماعی است که قابل انتقال بوده و جنبه‌های مذهبی، اخلاقی، زیباشناسی، فنی - علمی مشترک در یک جامعه یا چند جامعه مرتبط با یکدیگر را به خود می‌گیرد (الویری و مشکانی سبزواری، ۱۳۹۰: ۱۵۱).

۴. تمدن به مجموعه بزرگی از نظام‌های اجتماعی (سیاسی، اقتصادی، حقوقی، تربیتی و عبادی و ...) که از نظر جغرافیایی واحد کلانی را در یک قلمرو پهناور در بر می‌گیرد، و فرهنگی

واحد بر تمامی اجزای آن سیطره دارد، اطلاق می‌شود (همو: ۱۵۲).

۵. تمدن نظامی است اجتماعی که موجب تسریع دستاوردهای هنر، دست به ابداع و خلاقیت می‌زند. نظامی است سیاسی که اخلاق و قانون نگهدارنده آن است و نظامی است اقتصادی که با تداوم تولید و مبادله پایدار خواهد ماند (دورانت، ۲۵۶: ۱۳۶۸).

۶. تمدن سیر و بسط یک نحو تفکر و ظهور آثار تفکر در مناسبات افراد و اقوام در رفتار و کردار و علوم و فنون مردم است. تمدن ظاهر فرهنگ است، سنن و آداب و حتی ظاهر و صورت آثار هنری و فلسفی یک قوم از اجزای تمدن اند. فرهنگ معنا و باطن سنن و آداب است و آداب و سنن مثل سایه که نشانی از نور است حکایت از فرهنگ می‌کنند (داوری اردکانی، ۱۳۷۹: ۷۲).

۷. تمدن عبارت است از همه فعالیت‌های ذهنی و هرآنچه در بیرون از ذهن، در قالب فن‌آوری‌های علمی، اختراعات، اکتشافات جدید، عمران، راه‌ها، شهرها، مساجد، قصرها و قلعه دیده می‌شود. بنابراین، تمدن در این جا از معنی «فرهنگ»^۱ فراتر می‌رود و به «مدنیت»^۲ می‌رسد (حنفی، ۱۳۷۹).

۸. تمدن به نظام‌های بزرگ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی‌ای اشاره دارد که از نظر جغرافیایی واحد کلانی را در یک قلمرو پهناور، معمولاً یک امپراتوری، در بر می‌گیرد... اما فرهنگ به تنهایی می‌تواند از آن مردمی باشد که در یک قبیله به صورت ابتدایی زندگی می‌کنند (آشوری، به نقل از: جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶: ۳۶).

۹. «چنگیز پهلوان»، در کتاب «فرهنگ و تمدن» خود، در توصیف تمدن می‌نویسد: تمدن در حوزه علوم اجتماعی اغلب چندمعنایی همراه با بار ارزشی است، که به گونه‌های زیر به کار می‌رود:

الف) پدیده‌هایی را می‌نامند که به ویژه دانشمندان آنگلساکسن و فرانسوی به عنوان فرهنگ هم از آن‌ها یاد می‌کنند.

ب) مجموعه‌ای است از معرفت‌ها و مهارت‌های عملی که نسل‌های مختلف در طول زمان در گذار از شرایط ابتدایی و طبیعی، فراگرفته‌اند و آن‌ها را پاس می‌دارند.

ج) دانشمندی که بر معنویت تأکید می‌نهند، تمدن را دارای جنبه‌های مادی می‌دانند. به این اعتبار تمدن مجموعه‌ای است از علاقه‌های زیستی متأثر از تجربیات نازل فنی و اجتماعی،

1. culture

2. civilization

در مقابل فرهنگی عالی که با معنویت و روح الفت دارد.

(د) عده‌ای هم تمدن را حوزه‌های زیستی و اجتماعی مرتبط با عوامل فنی و مکانیکی می‌دانند، در مقابل فرهنگ ارگانیک و زنده.

(ه) گروهی از جامعه‌شناسان تمدن را نظم ظاهری - سطحی، و آداب و عواطف مهارشده انسان‌هایی می‌دانند که در بند عقل درآمده‌اند، در مقابل فضیلت‌های واقعی فرهنگی و اخلاقی.

(و) از نظر فلسفه فرهنگ، تمدن از سویی به عنوان مرحله‌ای والاتر از مراحل زندگی ابتدایی نمایانده می‌شود که معرف غلبه بر دوران‌های ابتدایی است، یعنی انسان به مرحله‌ای پیشرفته می‌رسد و بر طبیعت چیره می‌گردد؛ از سوی دیگر تمدن معرف مرحله افول یک فرهنگ عالی است که انسان‌ها بر اثر رفاه مادی و عقلانیت صرف ابزاری - عملی چشم‌اندازهای خود را از دست داده‌اند و به فساد گرایش پیدا کرده‌اند (پهلوان، ۱۳۸۸: ۳۶۲).

در یک نگاه کلی، عده‌ای تمدن را مرحله پیشرفت انسان و گذار از شرایط ابتدایی می‌دانند و عده‌ای هم فقط خصوصیات مادی برای آن می‌تراشند و آن را فاقد معنویت جلوه‌گر می‌سازند. کسانی هم هستند که پیشرفت‌های فنی را مترادف با تمدن می‌گیرند. از نظر اینان علم و دانشی که این پیشرفت‌ها را فراهم می‌آورد مبنای تمدن است. بدین اعتبار تمدن همواره در حال پیشرفت است و از مرحله‌ای به مرحله دیگر می‌رود. به همین لحاظ تمدن، جریانی است تکامل‌یابنده و پایان‌ناپذیر. انسانی که به شهرنشینی می‌رسد و در مجموعه‌ای مرتب و منظم زندگی اجتماعی خود را مبتنی بر قواعدی آگاهانه سامان می‌دهد در واقع زندگی ساده و ابتدایی را پشت سر گذاشته است و از بربریت دوری می‌جوید. آداب و رسوم و رفتارهای متمدنانه با شیوه‌های زندگی ابتدایی تفاوت‌های اساسی دارد و همه چیز حاصل معرفت تحول‌یابنده و رو به رشد انسان است (همو: ۳۶۳).

۱۰. مالک بن نبی (متفکر معاصر الجزایری) نیز در تعریف تمدن می‌گوید: تمدن محیط طبیعی معینی (خاک و زمان) است که مقتضیات انسانیت انسان در آن محیط محقق شده است و چهار چیز به آن روح می‌بخشد که در دایره فرهنگ می‌گنجد:

- رویکرد اخلاقی؛

- رویکرد زیباشناختی؛

- منطق عملی؛

- صنعت (مالک بن نبی، به نقل از: جمعی از نویسندگان ۱۳۸۶: ۳۷).

از مجموع مباحث و تعاریفی که در بالا اشاره شد، سعی می‌شود در حوزه تمدن و همچنین تمدن اسلامی به یک جمع‌بندی و تعریف مختار برسیم که به عنوان مبنای مقاله قرار گیرد:

ج) مختار تمدن

تمدن واقعیتی چندلایه، چند سطحی، پویا و رو به رشد است که در آن حیات بشری در ابعاد مختلف اعم از فلسفی، علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، هنری و ابزاری شکوفا می‌شود و انسان‌ها در هر یک از این زمینه‌ها به تولید و خلاقیت دست می‌زنند.

۴. تمدن اسلامی

از آن جایی که مفهوم «تمدن» یک واقعیت چند لایه و چند سطحی است؛ بحث «تمدن اسلامی» نیز دارای رهیافت‌ها و رویکردهای متعددی خواهد بود. نگارنده در این رساله به سه «دیدگاه» در مباحث تمدن اسلامی به تفصیل پرداخته و در نهایت به یک تعریف مختار بسنده کرده است. البته باید اعتراف کرد که دیدگاه‌های دیگری هم وجود دارند ولی از پختگی لازم جهت تشریح و تفصیل برخوردار نبودند.

پس از هجرت پیامبر اسلام ﷺ از مکه به مدینه، مرزی برای جامعه اسلامی مشخص شد و این مرز در زمان حیات پیامبر ﷺ گسترش یافت. پس از وفات پیامبر ﷺ نیز مرزهای جهان اسلام گسترش یافت و از شرق به هند و چین و از غرب به اروپا و آفریقا رسید. گسترش جغرافیایی تمدن اسلامی از طریق جنگ، تجارت، تبلیغات و ... انجام گرفت. تمدن اسلامی در فرایند گسترش جغرافیایی خود با تمدن‌های دیگری همچون تمدن ایرانی، هندی، چینی، رومی، یونانی و ... مواجه شد. در این دیدگاه، شناخت نوع مواجهه مسلمانان با این تمدن‌ها می‌تواند برای ما قابل تامل و سودمند باشد.

در مقابل این دیدگاه، نگاه دیگری وجود دارد که برای شناخت آن چه ما از آن تحت عنوان تمدن اسلامی یاد می‌کنیم ارزشی قائل نیست؛ چون معتقد است اهل بیت علیهم‌السلام در فرایند توسعه مؤلفه‌های این تمدن، نقش فعال و محوری نداشته‌اند. به عقیده این جمع شیوه رفتاری تمدنی که در آن حضرت علی علیه‌السلام خانه‌نشین شده، امام حسین علیه‌السلام به شهادت می‌رسند و امامان بسیاری زندانی می‌شوند هیچ حجیتی ندارد و ما باید به دنبال تمدن اسلامی ناب باشیم، نه تمدنی که توسط کسانی که تنها مسلمان بودند توسعه یافت.

محسن الویری با پذیرش دیدگاه اول؛ تمدن اسلامی را «برآیند سرمایه‌ها و دستاوردهای سخت و نرم سرزمین‌های گسترده مسلمان نشین متأثر از اندیشه اسلامی» می‌داند که «پس از

بعثت پیامبر به تدریج شکل گرفت و از قرن سوم تا ششم به اوج رسید». ایشان تمدن اسلامی را به هشت مرحله تقسیم می‌نمایند که این تقسیم‌بندی از منظر تمدنی صورت پذیرفته است (در برخی دوره‌ها با تقسیم‌بندی سیاسی هم پوشانی‌هایی نیز دارند). هشت مرحله اشاره شده عبارت‌اند از:

۱. عصر گذار (از بعثت تا سال ۵۴۰ ق)؛
۲. عصر تثبیت (بنی‌امیه)؛
۳. عصر ایرانی‌گری؛
۴. عصر شکوفایی (قرن ۳ تا ۶ ق)؛
۵. عصر ایستایی (قرن ۷ تا ۱۰ ق)؛
۶. عصر خرده تمدن‌ها؛
۷. عصر محاق (دوره‌ای که خرده تمدن‌های اسلامی تحت تأثیر غرب قرار گرفتند)؛
۸. عصر بیداری (الویری، ۱۳۹۱).

حسن حنفی - متفکر مصری - با پذیرش دیدگاه دوم؛ می‌نویسد: تمدن اسلامی شامل تمامی آثاری که مسلمانان در زمینه‌های علوم نقلی مانند قرآن، حدیث، تفسیر، سیره و فقه؛ و علوم عقلی مانند حساب، هندسه، نجوم و موسیقی؛ و علوم نقلی - عقلی مانند اصول دین، اصول فقه، فلسفه و عرفان تألیف کرده‌اند، می‌شود. این علوم متن تمدن اسلامی را تشکیل می‌دهد. حنفی تمدن اسلامی را در سه مرحله - که آن‌ها را پشت سر گذاشته ایم - خلاصه می‌کند:

مرحله اول، دوران شکوفایی و عصر طلایی آن است که اوج آن در قرن چهارم الی قرن ششم رخ داده است. در این دوران با مطرح شدن دانشمندانی همچون ابوحنیفه، ابن سینا، غزالی، ابن هیثم و... شاهد اوج تمدن اسلامی بودیم و در قرن ششم توسط دانشمندانی همچون ابن رشد توانستیم اعتبار از دست رفته علوم عقلی را بازگردانیم.

مرحله دوم، هفت قرن بعدی در عصر مملوکی و عثمانی است که در این دوره، عقل از نوآوری باز ایستاد و حافظه به فکر گردآوری افتاد. این دوره، دوره شرح نویسی، تلخیص و دایره المعارف نگاری است. در دو قرن پایانی این دوره، حرکت اصلاح دینی و عصر نهضت شروع شد تا این مرحله را به پایان رساند.

مرحله سوم، هفت قرن بعدی، قرن چهارده تا بیست و یک است که تمدن غرب با استفاده از تمدن اسلامی، به دوران اوج خود رسید و در این مرحله شاهد افول تمدن اسلامی هستیم (تلخیصی از مقاله حنفی، ۱۳۷۹).

مالک بن نبی^۱ نیز که از اندیشمندان معاصر الجزایری در نگرش تمدنی بعد از ابن خلدون محسوب می‌شود، در توصیف تمدن اسلامی می‌نویسد؛ برای حصول تمدن اسلامی باید مجموعه شروط «اخلاقی» و «مادی» حاصل شود؛ به بیان دیگر «بن نبی» تمدن را مجموعه‌ای اخلاقی و مادی می‌داند که به یک جامعه کمک می‌کند تا زمینه‌های لازم را برای رشد افراد و همکاری در آن فراهم آورد. بن نبی بر خلاف دیدگاه افرادی مانند سید قطب^۲ معتقد است «اسلام» فی نفسه یک «تمدن» نیست؛ بلکه اسلام «وحیی» است که از آسمان نازل گردیده است، اما تمدن یک پدیده انسانی است. اسلام اگرچه در ذات خود قابلیت تمدن‌سازی دارد، اما خود تمدن نمی‌سازد، بلکه این انسان‌ها هستند که با کار و تلاش پی‌گیر و به کمک دستورات اسلام تمدن می‌سازند. در دوره نخستین تمدن اسلامی دو عامل اساسی در پیدایش آن مؤثر بوده است: نخست، اندیشه اسلامی و دیگری انسان مسلمانی که سند عینی و محسوس این اندیشه است. بنابراین، پیدایش تمدن اسلامی و صعود و هبوط آن به وسیله فردی است که نمایندگی اندیشه اسلامی را برعهده دارد، به این اعتبار که سند محسوس این اندیشه به شمار می‌رود. اندیشه اسلامی به مثابه وحی نازل شده‌ای است که به صورت اصالت عینی و حقیقت مطلق متجلی شده است. ارسال این اندیشه از ناحیه خداوند است، اما محور تمدن، انسان مسلمانی است که سند این اندیشه در مسیر تاریخ به شمار می‌رود (الویری و مهدی‌نژاد، ۱۳۹۲).

از مجموع مباحث و تعاریفی که در بالا اشاره شد نیز می‌توان برای تمدن اسلامی به یک تعریف مختار رسید که این تعریف، ناظر به انقلاب اسلامی ایران و عبارت است از:

تعریف مختار تمدن اسلامی (ناظر به انقلاب اسلامی در ایران)

تمدن اسلامی شکل جامع و فراگیری از اسلام است که بر چهار رکن دین، عقلانیت، علم و اخلاق بنا شده است؛ و در زنجیره پویا و متکامل انقلاب، نظام، دولت، جامعه و تمدن اسلامی؛

۱. مالک بن نبی را عموماً در زمره جریان اصلاح‌طلبی جدید اسلامی و ادامه‌دهنده راه سید جمال و عبیده به شمار آورده‌اند. موضوع محوری آثار وی مسئله «تمدن» است؛ از این رو همه آثارش با عناوین گوناگون را تحت یک عنوان کلی، یعنی «مشکلات الحضارة» قرار می‌دهد. از جمله آثار وی می‌توان به *الظاهرة القرآنية، شروط النهضة، مشكلة الثقافة، میلاد مجتمع، مشكلة الانتكاري في عالم الاسلامی و تأملات* اشاره کرد (الویری، ۱۴۳۴).

۲. سید قطب معتقد بود اسلام، مساوی با تمدن است و جدای از آن نیست. وی کتابی با نام *تحوّل مجتمع اسلامی متحضر* «به سوی جامعه اسلامی متمدن» نوشت؛ اما پس از مدتی کلمه متحضر را از عنوان آن حذف کرد و دلیل آن را این گونه عنوان نمود که جامعه اسلامی بذاته متمدن است. از این رو نیازی به ذکر این قید وجود ندارد (در این باره نک: الویری و مهدی‌نژاد، ۱۳۹۲).

در ابعاد مختلف فلسفی، علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به صورت تدریجی و گام به گام پیش می‌رود و تحقق متعالی آن در دوران ظهور امکان‌پذیر خواهد شد.

تقسیم‌بندی رویکردهای مهدوی

همان‌گونه که اشاره شد، معیار اصلی مورد نظر این مقاله برای تقسیم‌بندی و گونه‌شناسی دیدگاه‌های مربوط به رویکردهای فکری- فرهنگی آموزه مهدویت، «چارچوب‌های علمی» است. به عبارت دیگر اگر بتوان مشخص ساخت که یک موضوع به کدام تبار علمی وابسته است و با کدام رشته علمی تناسب بیشتری دارد آسان‌تر و دقیق‌تر می‌توان رویکرد آن را مشخص ساخت؛ زیرا نحوه نگریستن علوم به پدیده‌ها با دقت بالایی مشخص می‌شود. لذا از طریق فن مقایسه مستمر و بر اساس چارچوب علمی، رویکردهای علمی نهایی را عنوان بندی می‌نماییم.

تحلیل پدیدارشناسی تفسیری در منابع مکتوب، چندرسانه‌ای و صاحب نظران

الف) فصل‌نامه انتظار موعود

فصل‌نامه علمی- ترویجی «انتظار موعود» به عنوان اولین فصل‌نامه تخصصی در حوزه مهدویت است که توسط مرکز تخصصی مهدویت در شهر مقدس قم از مهرماه ۱۳۸۱ منتشر شده است. مدیر مسئول این فصل‌نامه، حجت الاسلام محسن قرائتی و سردبیر آن حجت الاسلام دکتر روح الله شاکری هستند. تا کنون ۴۳ شماره از این فصل‌نامه منتشر شده است که تمامی مقالات، مصاحبه‌ها و سایر مطالب این فصل‌نامه که قریب به ۴۰۰ عنوان بوده است.

ب) کتب تألیفی منتشره در دو سال اخیر

در دو سال اخیر یعنی سال‌های ۹۲ و ۹۳، مجموعاً ۳۲۱ عنوان کتاب با موضوع مهدویت و انتظار به چاپ رسیده است که بخش زیادی از آن‌ها برای اولین بار و بخش دیگری هم به عنوان چاپ مجدد، منتشر شده‌اند. در مجموع تمامی ۳۲۱ عنوان کتاب مذکور مشاهده و مورد بررسی قرار گرفتند.

ج) محصولات چند رسانه‌ای مشهور

در سال‌های اخیر محصولات چندرسانه‌ای زیادی در قالب‌های مستند، نرم افزار و ... در حوزه مهدویت تولید شده است. برخی از این تولیدات رسانه‌ای - جدای از ارزش‌گذاری مثبت

یا منفی - در سطح جامعه جریان سازی‌های زیادی انجام داده است. برای نمونه می‌توان به مستند «ظهور بسیار نزدیک است»، اشاره نمود که رویکرد خاصی را دنبال می‌کرد. نرم‌افزارهای دیگری هم همچون: نرم افزار «کتابخانه مهدویت»، «شمیم انتظار»، «عطر نرگس»، «یوسف زهرا (علیها السلام)»، «ادعیه مهدوی» و ... در این عرصه مخاطبان زیادی به خود جذب کردند که رویکردهای آن‌ها نیز بررسی گردید.

د) مصاحبه با اساتید و صاحب نظران حوزه مهدویت

بر اساس بررسی‌های میدانی که از مراکز معتبر حوزه مهدویت همانند: مرکز تخصصی مهدویت، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام) و پژوهشگاه آینده روشن صورت گرفت؛ در سال‌های اخیر، اساتید زیادی در قالب سخنرانی و یا آثار مکتوب پیرامون مهدویت و انتظار، مباحث زیادی را مطرح نموده‌اند. ولی از آن جایی که در این مقاله به دنبال گونه‌شناسی رویکردهای موجود در عرصه مهدویت هستیم، لذا سراغ اساتید و صاحب نظرانی رفتیم که در یک رهیافت و یا رویکرد خاص، تأثیرگذار و محل رجوع هستند.

در این بخش، ۲۴ استاد مورد بررسی قرار گرفتند که رویکرد اکثر این اندیشمندان در قالب مصاحبه عمیق احصاء و رویکرد تعداد اندکی از آن‌ها نیز از خلال آثار مکتوب آن‌ها مشخص گردید.

اساتیدی که در این بخش به آن‌ها مراجعه شد عبارت‌اند از: آیت الله خزعلی، آیت الله نجم‌الدین طبری، حجت الاسلام محسن قرائتی، حجت الاسلام کلباسی، حجت الاسلام دکتر پورسیدآقایی، حجت الاسلام دکتر الویری، دکتر محمدهادی همایون، حجت الاسلام مهدی طائب، حجت الاسلام دکتر حسینعلی سعدی، حجت الاسلام علیرضا پناهیان، دکتر اسماعیل شفیعی سروستانی، دکتر غلامرضا گودرزی، حجت الاسلام دکتر غلامرضا بهروزی لک، دکتر مهدی تلوری، حجت الاسلام مهدی پور، حجت الاسلام دکتر نصرت اله آیتی، حجت الاسلام محمدرضا نصوری، حجت الاسلام محمدصابر جعفری، حجت الاسلام قائم مقامی، حجت الاسلام حمیدرضا مظاهری سیف، حجت الاسلام سعید اصفهانیان، دکتر سیدرضی موسوی گیلانی، مهندس مادرشاهی و آقای رائفی پور.

مراحل تحلیل پدیدارشناسی تفسیری

بر اساس گام اول تحلیل پدیدارشناسی تفسیری، عنوان گذاری‌های اولیه رویکردهای اسناد و منابع و رویکردهای صاحب نظرانی که مورد مصاحبه قرار گرفتند، به شرح زیر است:

عنوان گذاری‌های اولیه رویکردهای اسناد، منابع و اساتید					
ردیف	عنوان رویکرد	ردیف	عنوان رویکرد	ردیف	عنوان رویکرد
۱	اعتقادی	۱۳	راهبردی	۲۵	ترویجی و تبلیغی
۲	معرفتی	۱۴	سیاسی	۲۶	دشمن‌شناسی
۳	قرآنی	۱۵	آینده نگارانه	۲۷	آسیب‌شناسی
۴	روایی	۱۶	امت‌شناسی	۲۸	اندیشه‌ای
۵	کلامی	۱۷	امام‌شناسی	۲۹	ادعیه‌شناسی
۶	فلسفی	۱۸	تربیتی	۳۰	جامعه‌شناسی
۷	تاریخی	۱۹	دکترین مهدویت	۳۱	غرب‌شناسی
۸	عرفانی	۲۰	دکترین ظهور	۳۲	واژه‌شناسی
۹	تمدنی	۲۱	نشانه‌شناختی	۳۳	هنری
۱۰	تفسیری	۲۲	تطبیقی ظهور	۳۴	ادبی
۱۱	فرهنگی	۲۳	منبع‌شناسی	۳۵	تشکیلاتی
۱۲	اجتماعی	۲۴	شبهه‌شناسی	۳۶	آموزشی

بر اساس گام دوم تحلیل پدیدارشناسی تفسیری، روابط میان رویکردهای اولیه بررسی می‌گردد و رویکردهایی که از نظر مفهومی قابل ادغام هستند، در ذیل یک عنوان تجمیع می‌شوند.

با توجه به این که، معیار اصلی برای گونه‌شناسی رویکردها، «چارچوب علمی» قرار گرفته است، لذا برخی رویکردها که در گام اول مانند رویکرد شخصیتی، دشمن‌شناسی، ترویجی، منبع‌شناسی، تشکیلاتی، شبهه‌شناسی، واژه‌شناسی، غرب‌شناسی، دکترین ظهور، دکترین مهدویت و تطبیقی ظهور تعیین شده‌اند، نمی‌توانند به عنوان یک رویکرد پذیرفته شود. از طرف دیگر رویکردهایی مانند اعتقادی و اندیشه‌ای هم ضمن این که قابل ادغام هستند ذیل عنوان رویکرد کلامی یا فلسفی می‌توانند قرار گیرند. رویکرد روش‌شناختی نیز هر چند یک رشته علمی مستقل نیست، اما به عنوان یکی از ارکان فلسفه علم می‌تواند مستقلاً مد نظر قرار گیرد. روشن است که برخی رویکردها می‌تواند شامل محورهای فرعی باشد؛ مثلاً تطبیق نشانه‌های ظهور یک رویکرد روایی - فرهنگی یا روایی - سیاسی تلقی می‌شود، چون نشانه‌ها از روایات گرفته شده است و تطبیق آن بر مسائل سیاسی یا بر مسائل فرهنگی است. همچنین برای همه رویکردها می‌توان اجمالاً یک محور فرعی با عنوان آسیب‌شناسی در نظر گرفت؛ مثلاً مقاله‌ای با عنوان فرضی مدعیان مهدویت در عصر مغول دارای رویکرد تاریخی - آسیب‌شناختی و مقاله‌ای با عنوان فرضی مدعیان مهدویت در جهان امروز دارای رویکرد جامعه‌شناختی - آسیب‌شناختی

تلقى می‌شود. و همچنین این موضوع که برخی مطالب و یا برخی از محصولات چندرسانه‌ای نیز می‌توانند در دو یا حتی سه رویکرد قرار گیرند.

بر اساس گام سوم تحلیل پدیدارشناسی تفسیری، ۳۶ رویکرد اولیه‌ای که در گام اول به آن‌ها رسیدیم از طریق فن مقایسه مستمر و بر اساس چارچوب‌های علمی به تقلیل و تجمیع این رویکردها پرداختیم که در نهایت به ۱۸ رویکرد اصلی دست یافتیم که می‌توان اذعان کرد این رویکردها، مجموعه‌ای جامع و مانع از رویکردهای علمی هستند. رویکردهای نهایی عبارت‌اند از:

عناوین رویکردهای علمی نهایی			
ردیف	عنوان رویکرد	ردیف	عنوان رویکرد
۱	قرآنی	۱۰	راهبردی و آینده نگارانه
۲	روایی	۱۱	تبلیغی و اطلاع‌رسانی
۳	کلامی	۱۲	جامعه‌شناختی
۴	فلسفی	۱۳	اجتماعی
۵	تمدنی	۱۴	سیاسی
۶	تاریخی	۱۵	آیینی و مناسکی
۷	عرفانی	۱۶	روش‌شناختی
۸	فقهی	۱۷	مدیریتی
۹	تربیتی	۱۸	ادبی

رویکرد قرآنی در حوزه مهدویت: این رویکرد با توجه به منابع اصیل اسلامی و با تأکید بر آموزه‌های قرآنی، عرصه‌ها و ابعاد مختلف حوزه مهدویت را از قرآن کریم استخراج و مسیر پیش رو را بر اساس آن ترسیم می‌نماید. با گسترش علم مدرن در سده‌های ۱۹ و ۲۰، علوم به علوم تجربی محدود شد و در این چارچوب، علم قدسی و دینی، بی‌معنا و بی‌ارزش گردید. در نگاه اسلامی، ما نیاز به بازخوانی علم دینی و بازسازی علم مدرن هستیم که این مهم با رجوع به منابع اصیل اسلامی از جمله قرآن کریم امکان‌پذیر خواهد بود. این نگاه باید در میان عموم مردم، به ویژه پژوهش‌گران و بدنه مدیریتی و اجرایی کشور نهادینه شود تا جایگزین مناسبی برای رویکردها و نگاه‌های غربی و غیراسلامی شود.

رویکرد روایی در حوزه مهدویت: بررسی روایات و احادیث وارد شده با موضوع مهدویت، مبنای رویکرد روایی است. از آن‌جا که احادیث و کتاب‌های روایی متعدد و متفاوتی در زمینه مهدویت وجود دارد، لذا دامنه سخن در رویکرد روایی در این حوزه بسیار وسیع و گسترده است، مثلاً کتاب «مُنْتَخَبُ الْأَثَرِ» آیت‌الله صافی به تنهایی، هزار و دویست حدیث غیرتقطیع شده آورده

که به همراه تقطیعات آن، به شش هزار و اندی رسیده است. کتاب *یوم الخلاص* نیز هزار و هشتصد و پنجاه حدیث آورده است. در کتب اصلی در حوزه مهدویت نیز احادیث فراوانی که عمدتاً غیر تکراری هستند آمده است، کتاب‌هایی چون:

- *الغیبه* تألیف محمد بن ابراهیم بن نعمانی، در سال ۳۴۲ ق. شامل ۵۰۰ حدیث؛

- *کمال‌الدین* تألیف شیخ صدوق، متوفای ۱۳۸۱ ق. شامل ۷۰۰ حدیث؛

- *الغیبه* تألیف شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰ ق. شامل ۵۰۰ حدیث.

رویکرد کلامی در حوزه مهدویت: معارف مهدویت، یکی از شاخه‌های اصلی علم کلام محسوب می‌شود. علم کلام، دانشی است که به اثبات، تبیین و دفاع از عقاید هر دینی می‌پردازد. بر این اساس، رابطه تنگاتنگی بین مهدویت و علم کلام وجود دارد. امروزه کلام جدید، ابزارها و روش‌های جدیدی را فراهم کرده است که تا حدودی متفاوت از کلام قدیم است. تقریباً می‌توان بحث مهدویت را قله مباحث کلام جدید دانست. در این میان، یکی از مباحث جدی کلام جدید، مبحث «آخرالزمان» شناسی است که در مسیحیت بسیار قوی مطرح شده است. همچنین ما در گونه‌بندی مطالب، مباحثی همچون: امامت، دین‌شناسی تطبیقی (موعود در دیگر ادیان)، ویژگی‌های امام و... را در این رویکرد قرار دادیم.

رویکرد فلسفی در حوزه مهدویت (فلسفه غیبت): آن‌چه که تحت عنوان رویکرد فلسفی یا نظریه فلسفه غیبت و یا نظریه غیبت مطرح می‌شود، به تبیین علل و عواملی که منجر به غیبت شده است می‌پردازد. در واقع این رویکرد به دنبال ارائه یک مبنای عقلی دقیق و تبیین دلیل محوری غیبت امام عصر علیه السلام است.

رویکرد تمدنی در حوزه مهدویت: این رویکرد با تتبع در آیات قرآن و روایات مربوط به نشانه‌های ظهور به دنبال استخراج راهبردهای اساسی شیعه در دوران غیبت است. با بررسی روایات و نشانه‌ها، می‌توان شرایط آخرالزمان و دوران ظهور را این چنین تصویر کرد که؛ حوادث در سطحی خرد و به شکل مقطعی و یا انقلاب منطقه‌ای به وقوع نمی‌پیوندد. بلکه گستره این اتفاقات، جهانی است و عمق آن نیز به اندازه‌ای است که تمام زوایای زندگی بشر را تحت تأثیر قرار می‌دهد و این معنا چیزی جز زوال و انتقال تمدنی و برپایی یک تمدن جهانی الهی به دنبال آن نخواهد بود.

رویکرد تاریخی در حوزه مهدویت: این رویکرد را می‌توان به دو گونه تقسیم کرد که این نوع

تقسیم به زاویه نگاه ما به تاریخ بر می‌گردد:

- نگاه «رویداد محور» که نگاهی کاملاً خرد، جزئی محسوب می‌شود و به رویدادهای تاریخی

در عصر غیبت اشاره می‌شود.

نگاه «غایت محور» که اصالتاً با افراد سر و کار نداریم. لذا در این جا مراد، خود تاریخ است که دو معنای اصلی دارد، یک معنای رویدادهای بیرونی است که مستقل از اراده ما اتفاق می‌افتد و دوم معرفت تاریخی است.

رویکرد تاریخی به مهدویت براساس سطح اول، یعنی بررسی نمودن مهدویت در بستر تاریخ که تاریخ در سطح اول خود زمان مند، گذشته محور و گذشته مدار است. بررسی قواعد و سنت‌های اجتماعی که به رابطه تاریخ و جامعه می‌پردازد نیز بُعد دیگری از رویکرد تاریخی است که ناظر به سطح دوم تعریف می‌شود. اما تعریف اصلی رویکرد تاریخی که نشأت گرفته از سطح سوم تاریخ به شمار می‌رود که در ذهن ما ایجاد کننده و مدیریت کننده آن فرجام قدسی بشر (ظهور منجی)، آن نقطه غایی حرکت تاریخ به حساب می‌آید که یک نگاه فلسفی به بحث رابطه تاریخ و مهدویت محسوب می‌شود و در حقیقت غایتی را برای ما ترسیم می‌کند.

رویکرد عرفانی در حوزه مهدویت: عرفان علم مطالعه وجود و صفات پروردگار است. این علم، پروردگار را ذات مطلق نامحدودی معرفی می‌کند که وجود همه موجودات و پدیده‌های هستی از پرتو نور و جلوه حضور اوست که برخی از آن‌ها نور پروردگار و صفات الهی را کمتر و بعضی بیشتر متجلی می‌کنند و اختلاف در این پدیده‌ها تنها به دلیل اختلاف در تجلی نور پروردگار است، همانند تابش نور خورشید از پنجره کوچک و بزرگ که سهم نور در این دو متفاوت اما حقیقت و اصل نور واحد و ثابت است. نکته‌ای که لازم است در این جا متذکر شوم این است که پروردگار دارای دو نوع تجلی و ظهور است، یکی نمود و تجلی خاص ذاتیه که هیچ یک از مخلوقات و نمودهای هستی قدرت دستیابی به آن را ندارند^۱، دیگری تجلیات و انواری که در انسان قابل انعکاس است.

رویکرد فقهی در حوزه مهدویت: یکی از اصول اعتقادی شیعی، اعتقاد به ضرورت امام است. شیعه نظام آفرینش و کل هستی را در حدوث و بقاء، محتاج به امام می‌داند و بر این ادعا؛ ادله عقلی و نقلی متعددی نیز اقامه می‌کند و در کنار این ادعا نیز معتقد است که جهان بشری و جامعه انسانی نیز به امام محتاج است. احتیاج به امام در بیان روایات با عنوان؛ «الاضطرار الی الحجة» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۶۸) تبیین و در علم کلام به گونه مبسوط تعلیل و تحلیل شده است. یکی از مهم‌ترین ادله‌ای که دانشمندان کلام بر لزوم وجود امام در هر دوره‌ای

۱. همان که در ادعیه به عنوان اسم خاص و مستأثر آمده و عرفا نیز درباره آن بحث‌هایی داشته‌اند.

اقامه کرده‌اند مسئله «لزوم حفظ شریعت» است که رویکرد فقهی به دنبال تشریح و بسط این موضوع است.

رویکرد تربیتی در حوزه مهدویت: براساس روایات، تحقق کامل رویکرد تربیتی در نظام تربیتی مهدوی و در جامعه موعود الهی اتخاذ خواهد شد و بشر به ملکوت درون خود توجه کرده و پله‌های تعالی و تکامل را بر پایه فطرت پاک الهی طی خواهد کرد. در این بین رویکرد تربیتی به دنبال ترسیم شرایط و راه کارهای تحقق و زمینه‌سازی ظهور براساس مؤلفه‌های نظام تربیتی است.

رویکرد راهبردی و آینده نگارانه در حوزه مهدویت: این رویکرد به نوعی «مأموریت محور» است. آینده‌نگری مأموریت محور، قائل به یک رسالت و افقی است که باید در آینده به آن رسید. برای دسترسی به این افق از آینده، از حال و گذشته نیز استفاده می‌شود. حلقه واسط بین آینده پژوهی و مطالعه تمدن، آینده پژوهی با تمرکز بر «حال محوری» است. اولین ظرفیت مهم مهدویت در این عرصه، چهره دقیق و شفاف است که بر خلاف آینده‌نگری آکادمیک، به مردم و بشریت ارائه می‌دهد. اعطای نقش محوری به مردم (منتظران) در تحقق آرمان ظهور و حرکت جهانی آخرالزمانی، شکل دهی به جامعه در یک نقشه جامع از دیگر مزایای خاص مهدویت نسبت به آینده‌نگری غربی است. لذا این رویکرد را می‌توان؛ «استفاده از پتانسیل تفکر مهدوی در ورودی‌های نگاه آینده پژوهی» تعریف نمود.

رویکرد تبلیغی و اطلاع‌رسانی در حوزه مهدویت: واژه تبلیغ در مفاهیم دینی با آن چه که امروزه به عنوان تبلیغات بکار برده می‌شود معانی کاملاً متفاوتی دارد. تبلیغات امروزی به معنای متقاعد کردن مخاطب و جلب نظر او با هر روش و وسیله‌ای است که طبیعتاً در این معنا استفاده از هر نوع بزرگ‌نمایی و ایجاد جاذبه‌ای که در مخاطب مؤثر واقع شود مجاز شمرده می‌شود، اما تبلیغات دینی براساس آیات قرآن کریم به معنای درست و کامل رساندن پیام دینی به شیوه روشن‌گرانه است و تبلیغی در عرصه مهدویت نیز به همین معناست. رویکرد تبلیغی در حوزه مهدویت به مفهوم به کارگیری شیوه‌ها و ابزارهای مناسب به جهت رساندن پیام مهدوی به مخاطبان با هدف اثرگذاری بر ایشان است. لذا در این رویکرد، علاوه بر این که استفاده از هر ابزار و روش تبلیغی برای جلب توجه مخاطب و پیام‌رسانی مجاز شمرده نشده، بلکه اگر به طور قطع به شیوه صحیح، پیام‌ها منتقل شود دچار محدودیت‌هایی نیز خواهد شد. همچنین ما در گونه‌بندی مطالب، مباحثی همچون؛ معرفی منابع، معرفی مراکز، معرفی شخصیت‌ها و ... را در این رویکرد قرار دادیم.

رویکرد جامعه شناختی در حوزه مهدویت: با نگاهی اندک به منابع روایی و مجموعه احادیثی که در باره عصر ظهور و جامعه مهدوی بیان شده، استنباط می‌گردد که یکی از اهداف و آرمان‌های تشکیل حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام، تحقق جامعه‌ای عادلانه، انسانی، دینی و مبتنی بر پایه‌های استوار اجتماعی است. بخشی از عوامل و شرایط تحقق زمینه‌های انسان سازی، مبتنی بر شرایط اجتماعی است، به گونه‌ای که اگر جامعه برخوردار از آن شرایط لازم نباشد، انسان‌ها نمی‌توانند به شکوفایی برسند. از این رو اگر هم هدف حکومت مهدوی انسان‌شناسانه باشد، باز ناگزیریم تا به تصحیح و سالم سازی اجتماعی کمک کنیم. حکومت دینی ما بر طرح تئوریک «تبیین و ترویج فرهنگ مهدویت» و پژوهش در عرصه‌های گوناگون مرتبط به این امر، متولد شده است. در تبیین تأثیرهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت بر جامعه، ابتدا می‌توان دو نوع کلی تأثیر اجتماعی را بازشناسی کرد. لذا این رویکرد به دنبال بررسی عوامل و موانع جامعه شناختی و نیز تبیین و ارائه راهبردهای مقتضی در جهت ترویج فرهنگ مهدوی و تحقق زمینه‌سازی ظهور در عرصه‌های مختلف اجتماعی است. همچنین ما در گونه‌بندی مطالب، مباحث فرهنگی را در این رویکرد قرار دادیم.

رویکرد اجتماعی در حوزه مهدویت: در باب ماهیت زندگی اجتماعی دو رویکرد اصلی وجود دارد؛ رویکردهای نخست صرفاً به بیان چگونگی و فرایند اجتماع انسان‌ها در یک قلمرو جغرافیایی می‌پردازند که شیوه‌های مختلف آن، صرفاً به بعد دنیوی - مادی زندگی اجتماعی انسانی معطوف هستند. در مقابل، رویکردهای دوم به غایت و نتیجه زندگی اجتماعی نگاه می‌کنند. این رویکردها هدف جامعه را ملاک قرار می‌دهند. از نظر آن‌ها اجتماعی زندگی کردن غایتی را برآورده می‌سازد و باید به تبیین آن غایت نهایی زندگی جمعی پرداخت. در نگاه اسلامی و آرمان شهر مهدوی؛ هر چند جنبه‌های مادی زندگی آدمی مهم هستند و اسلام نیز برای تأمین آن‌ها برنامه مناسب و شایسته‌ای ارائه کرده است، اما به نظر می‌رسد کارکرد اصلی جامعه در نگرش قرآنی اسلامی، رویکرد غایت‌گرایانه است. قرآن کریم با نفی تفاوت‌های ظاهری اقوام و ملل، مایه امتیاز و برتری را صرفاً تقوا و فضایل اخلاقی دانسته است. همچنین ما در گونه‌بندی مطالب، مباحث محیط زیست و بهداشت را در این رویکرد قرار دادیم.

رویکرد سیاسی در حوزه مهدویت: در تفکر اسلامی سیاست با تربیت و زمینه‌سازی رشد و ترقی قرین شده است و دلیل آن این است که ریشه سیاست در زبان عربی به معنای تربیت است. در قرآن کریم، مستقیماً از اصطلاح سیاست استفاده نشده است؛ بلکه به جای آن از اصطلاحاتی همچون ملک و حکم استفاده شده است. در متون روایی واژه و اصطلاح سیاست

کاربرد دارد به طوری که در زیارت جامعه کبیره، ائمه معصومین علیهم‌السلام «ساسة العباد» خوانده شده‌اند. واژه سیاست در ادبیات امروز در دو معنا استفاده می‌شود. این واژه همانند واژه‌هایی چون اخلاق و تاریخ هم در معنای خود موضوع، عمل یا واقعه به کار می‌رود و هم نام یک رشته علمی است. لذا سیاست هم به معنای عمل و رفتار سیاسی است و هم نام یک رشته علمی. این واژه در کاربرد دوم به صورت کامل تر «علم سیاست» به کار می‌رود. پس ما می‌توانیم «سیاست مهدوی» را در هر دو کاربرد مورد توجه قرار دهیم. هم به معنای فعل سیاسی و نوعی رفتار در عرصه اجتماعی و هم به معنای علم سیاست مهدوی.

رویکرد آیینی و مناسکی در حوزه مهدویت: رویکرد آیینی و مناسکی را می‌توان در ترسیم و تبیین وظایف و اعمال منتظران (انتظار فرج) در عصر غیبت و با هدف نزدیکی به امام عصر و زمینه‌سازی ظهور در قالب انجام اعمال خاص، قرائت زیارات، ادعیه و امثال آن تعریف کرد. یکی از ابعاد محوری رویکرد آیینی ادعیه و زیارات هستند، ادعیه ویژه حضرت مهدی علیه‌السلام بسیار متنوع، ولی هدفمند و با روشی ویژه، سمبل‌های عدالت خواهی و عدالت گستری را در یک وارث حقیقی و زنده و حاضر در صحنه جوامع بشری مورد توجه ویژه قرار داده و با برقراری ارتباط معنوی دعاکننده با او، مجموعه آرمان‌های الهی عدالت مدار را با ظلم ستیزی از درون انسان تحوّل‌ی زیربنایی به وجود می‌آورد، تا انسان‌های منتظر قیام پرچمدار حق طلب و عدل گستر را در حالت آماده باش کامل و بصیرت همه جانبه در آورد، و احیای کتاب و سنت در دولت حضرت مهدی علیه‌السلام در این ادعیه، سمبل حق‌گرایی و حق گستری و عدالت خواهی معرفی شده است. همچنین ما در گونه‌بندی مطالب، مباحث مردم شناختی را در این رویکرد قرار دادیم.

رویکرد روش شناختی در حوزه مهدویت: این رویکرد، هر چند یک رشته مستقل علمی نیست، اما به عنوان یکی از ارکان فلسفه علم می‌تواند مستقلاً مد نظر قرار گیرد. این رویکرد به دنبال بررسی و تبیین پیشینه و روش تألیف و تحقیق پیرامون حضرت مهدی علیه‌السلام و مسائل مرتبط در حوزه مهدویت است. در این نگاه مطالب فراوانی درباره مهدویت وجود داشته است که از زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تا کنون به دست ما رسیده است و به انحاء مختلف در قالب مکتوباتی از فرق مختلف اسلامی، نوشته شده است. این رویکرد به دنبال بررسی، تبیین و ارزیابی مطالب موجود در قالب روش‌های تحقیقی مختلفی همچون؛ روایی، قرآنی، عقلی، تاریخی، تحلیلی و... است.

رویکرد مدیریتی در حوزه مهدویت: مدیریت «علم و هنر برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هدایت و رهبری، نظارت و کنترل و نهایتاً ایجاد هماهنگی برای رسیدن به هدف یا اهداف از پیش

تعیین شده سازمان» تعریف می‌شود و در تعریف راهبردی نیز آمده است که راهبرد پاسخ به سه سؤال است؛ این که کجا هستیم؟ کجا می‌خواهیم برویم؟ و چگونه می‌خواهیم برویم؟ این سؤالات، مسائلی است که پاسخ آن‌ها در آموزه‌ها، اعتقادات و اندیشه‌های مهدویت وجود دارد. به طور کلی راهبرد یعنی جهت کلی حرکت از وضع موجود برای رسیدن به وضع مطلوب. با این اوصاف، بیشترین و مهم‌ترین نقش از نگاه راهبردی و مدیریتی در حوزه مهدویت، در مقصد و وضع مطلوبی است که برای ما تبیین می‌کنند.

رویکرد ادبی در حوزه مهدویت: این رویکرد به دنبال تبیین و ترویج شیوه‌های ادبی و هنری در انتقال مفهوم مهدویت و انتظار، به طیف وسیع مخاطبان است. در این نوع نگاه، به شیوه‌ها و تأثیرات عمیق ادبی و هنری در تعمیق تفکر مهدوی توجه می‌شود که در قالب ابزارها و شیوه‌های هنری، ادبی مانند مباحث واژه‌شناسی صورت می‌پذیرد. همچنین ما در گونه‌بندی مطالب، مباحث واژه‌شناختی، ترجمه، ذوقی، شعر و مانند آن را در این رویکرد قرار دادیم.

نتیجه‌گیری

تحقق انقلاب اسلامی در ایران و تشکیل یک حکومت در جهت تسهیل اجرای احکام الهی، یکی از جلوه‌های حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی است. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با بهره‌گیری از جایگاه خود در میان امت و کشورهای اسلامی و نیز عرصه بین‌المللی، گام‌های مؤثری را در جهت تحقق تمدن اسلامی بردارد. به همین منظور واکاوی وضعیت موجود فکری، فرهنگی در عرصه مهدویت به خصوص در جامعه ایران یکی از اولویت‌های مهم در جهت ایجاد گفتمان مهدوی در محدوده ایران اسلامی و به تبع آن جوامع اسلامی و سایر کشورهای جهان خواهد بود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، رهیافت‌ها و رویکردهای مختلفی در حوزه مهدویت شکل گرفته است که این رویکردها (مجموع رهیافت و رویکرد) گاه از خلال مصاحبه با اساتید و صاحب‌نظران و گاه از خلال منابع مکتوب و چندرسانه‌ای قابل استخراج است. در این مقاله با مراجعه به اساتید و منابع موجود در پی آن بودیم که رویکردهای مختلف این حوزه را احصاء نماییم و بر اساس روش کیفی پدیدارشناسی تفسیری و با بررسی دقیق تر و استفاده از چارچوب‌های علمی، گونه‌های علمی این رویکردها را شناخته و با کمک از تکنیک گونه‌شناسی، به طبقه‌بندی گونه‌های علمی رویکردهای آموزه مهدویت بپردازیم. در یک گونه‌شناسی اولیه، به ۳۶ عنوان رویکرد رسیدیم ولی برخی از این رویکردها با یکدیگر قرابت

مفهومی داشتند و قابل ادغام بودند؛ و برخی دیگر در چارچوب‌های علمی قرار نمی‌گرفتند، لذا از طریق فن مقایسه مستمر، در نهایت به ۱۸ رویکرد علمی رسیدیم که این رویکردها شامل: رویکرد قرآنی، روایی، کلامی، فلسفی، فقهی، تاریخی، تمدنی، سیاسی، تربیتی، عرفانی، تبلیغی و اطلاع‌رسانی، راهبردی و آینده‌نگارانه، مدیریتی، اجتماعی، جامعه‌شناختی، روش‌شناختی، ادبی و آیینی و مناسکی هستند.

هر یک از این رویکردها به دلیل در برداشتن مدلول‌های تمدنی، از این قابلیت و ظرفیت برخوردار است که به مثابه چشم‌اندازی برای تمدن نوین اسلامی مورد توجه قرار گیرد. در واقع در نگاهی کلی می‌توان گفت که جایگاه آموزه‌های مهدوی در تمدن جدید اسلامی جایگاه ترسیم آینده است.

منابع

- آصفی، محمد مهدی، *انتظار پویا*، ترجمه: تقی متقی، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت موعود، ۱۳۸۳ ش.
- الویری، محسن، «رابطه اسلام و ایران رویکرد تمدنی»، فصل نامه *تاریخ اسلام*، ش ۲۰، تابستان ۱۳۸۷ ش.
- _____، «فکره المهدویة و الحضارة الاسلامیة الجديدة»، *مجموعه مقالات مؤتمرا امام المهدي* علیه السلام و *مستقبل العالم (کنگره امام مهدی* علیه السلام و *آینده جهان)*، نجف، مجمع اهل البيت علیهم السلام، ۱۴۳۴ ق.
- _____، *فرهنگ و ارتباطات در تمدن اسلامی* (جزوه کلاس دکتری رشته فرهنگ و ارتباطات در دانشگاه باقر العلوم علیه السلام)، ۱۳۹۱ ش.
- الویری، محسن؛ سیدرضا مهدی نژاد، «رابطه دین و تمدن در اندیشه مالک بن نبی»، فصل نامه *تاریخ و تمدن اسلامی*، سال نهم، شماره هجدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲ ش.
- الویری، محسن؛ عباسعلی مشکانی سبزواری، «درآمدی بر سنجش ظرفیت های تمدن سازی فقه»، فصل نامه پژوهشی *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، سال اول، تابستان ۱۳۹۰ ش.
- امامی سیگارودی، عبدالحسین؛ ناهید دهقان نیری؛ زهرا رهنورد؛ علی نوری سعید؛ «روش شناسی تحقیق کیفی: پدیدارشناسی»، فصل نامه *پرستاری و مامایی جامع نگر*، سال ۲۲، ش ۶۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۱ ش.
- بابایی، حبیب الله، *کاوشی نظری پیرامون الهیات و تمدن*، قم، پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۳ ش.
- بهروزلک، غلامرضا، *سیاست و مهدویت*، قم، حکمت رویش، ۱۳۸۴ ش.
- بی نام، «احیای تمدن اسلامی از نگاه مالک بن نبی»، *مجموعه مقالات اندیشه های تمدنی مالک بن نبی*، پژوهشگاه بین المللی المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم، اسفند ۱۳۸۷ ش.
- پورسیدآقایی، سید مسعود، *با جاری انتظار*، قم، انتشارات مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۷ ش.
- تهرانی، صادق، «اهداف و آرمان های انقلاب اسلامی»، انتشار یافته در سایت خبری بصیرت، ۹ اسفند ۱۳۸۷ ش.
- جعفری، محمدصابر، *درباره واژه مهدویت*، تهران، ماه نامه *پاسدارگمنام*، دی ماه ۱۳۸۹ ش.
- حنفی، حسن، «اندیشه و تمدن اسلامی و مباحثی پیرامون آن ها»، *نامه علوم انسانی*، تابستان ۱۳۷۹ ش.

- خامنه‌ای، سید علی، انسان ۲۵۰ ساله: مجموعه‌ای از بیانات مقام معظم رهبری درباره زندگی سیاسی- مبارزاتی ائمه علیهم‌السلام، تهران، مرکز صهبیا، مؤسسه انتشارات جهادی، ۱۳۹۰ ش.
- خمینی، سید روح‌الله، اسلام ناب محمدی: مجموعه‌ای از پیام‌ها و بیانات رهبر فقید انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی علیه‌السلام، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۹ ش.
- _____، صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی علیه‌السلام)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، بی‌تا.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله، اصالت مهدویت، قم، انتشارات مسجد جمکران، ۱۴۰۰ ق.
- صوفی، محمدرشید، «تحلیل داده‌ها در روش تحلیل پدیدارشناسی تفسیری (IPA)»، سایت علمی www.academia.edu، بهمن ۱۳۹۲ ش.
- طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، تحقیق: عبادالله تهرانی، علی احمد ناصح، قم، مؤسسه المعارف الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
- عابدی جعفری، حسن؛ محمدسعید تسلیمی؛ ابوالحسن فقیهی، محمد شیخ‌زاده، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، اندیشه مدیریت راهبردی، سال پنجم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰ ش.
- عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، سازمان انتشارات جاویدان، بی‌تا.
- فاضلی‌نیا، نفیسه، «انقلاب اسلامی و نقش مهدویت و انتظار در امید و بیداری ملت‌ها»، مجموعه مقالات چهارمین سال برگزاری همایش بین‌المللی دکتربین مهدویت، ۱۳۸۷ ش.
- کارگر، رحیم، «مهدویت و آینده سیاست (دولت) از دیدگاه شیعه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، قم، دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام، ۱۳۸۳ ش.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
- محمود، عرفان، «نهضت امام خمینی زمینه‌ساز ظهور دولت حضرت مهدی علیه‌السلام»، ترجمه: حجت‌الاسلام رحمت‌الله خالقی، مجله حضور، ش ۲۶، زمستان ۱۳۷۷ ش.
- مزینانی، محمدصادق، «حکومت اسلامی در عصر انتظار»، مجله حوزه، ش ۷۰ و ۷۱، مهر و آبان، آذر و دی ۱۳۷۴ ش.
- مطهرنیا، محمود؛ حسن عباسی، ضرورت‌ها و تأثیر رویکرد مهدوی بر نحوه تدوین استراتژی‌های خرد و کلان نظام، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۰ ش.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۸ ش.

- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶ ش.
- هدایتی فخر، ابوالفضل، «مهدویت در منظر امام خمینی علیه السلام»، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۷ ش.
- همایون، محمدهادی، تاریخ تمدن و ملک مهدوی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۰ ش.